المملكة العربية السعودية
681
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد

مختصر روش نمار پیامبر صلى الله عليه وسلم



تأليف
محدث مصر علامة
محمد ناصر الدين آلباني

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
uspr@moia.gov.sa

مختصر روش نماز پیامبر ﷺ

تألیف: محدث عصر علامه
محمد ناصر الدين آلباني

ترجمه: حسین تاجی گله داری

مراجعه و تصحیح
إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی
رحمه الله

چاپ و نشر
معاونت مطبوعات و پژوهش‌های علمی
عربستان سعودی
١٤٣٩ هـ

ح وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد ، 1431 هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

الألباني ، محمد بن ناصر الدين

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ (باللغة الفارسية) ./ محمد
ناصر الدين الألباني.- الرياض ، ١٤٢٦هـ.

٦٤ ص ، ٢٠٢x١٤ سم

ردمك : ٦ - ٥١٧ - ٢٩ - ٩٩٦٠

١ - الصلاة أ . العنوان

ديوي ٢٥٢,٢ ١٤٢٦/٥٦٧١

رقم الإيداع : ١٤٢٦/٥٦٧١

ردمك : ٦ - ٥١٧ - ٢٩ - ٩٩٦٠

الطبعة الثانية عشر

1439 هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با مؤلف:

علامهٔ محدث محمد ناصر الدین آلبانی در سال ۱۳۳۳هـ ق مطابق با ۱۹۱٤م در شهر «آشکو دره» پایتخت حکومت آلبانی در خانواده‌ای فقیر، متدین و اهل علم دیده به جهان گشود.

پدرش «نوح نجاتی» بعد از اینکه دروس دینی را در مدارس دینی آستانهٔ قدیم «استانبول» امروزی، پایتخت دولت عثمانی فرا گرفت، برای خدمت دین و آموزش مردم به سرزمینش آلبانی برگشت، و مردم برای یادگرفتن امور شرعی به وی مراجعه می‌کردند.

مهاجرت به شام:

دیری نگذشت که حکومت آلبانی را فردی لائیک بنام احمد زوغو بدست گرفت، و مسلمانان تحت فشار شدیدی قرار گرفتند، او کشف حجاب و پوشیدن لباسهای غربی را اجباری نمود، همین مسأله باعث شد تا پدر شیخ وعدهٔ کثیری

برای حفظ دین و ایمان و آیندهٔ فرزندان به فکر هجرت بیفتند. و شهر دمشق را که در سرزمین شام قرار دارد انتخاب نمودند. آنهم بخاطر فضائلی که سرزمین شام از آن برخوردار است و دعایی که از رسول الله ﷺ در حق آن سرزمین روایت شده است.

آغاز زندگی علمی:

محمد ناصر الدین کودکی ۹ ساله بود که همراه پدرش به شام هجرت نمود. و برای اولین بار به مدرسه ابتدائی «اسعاف خیری» در دمشق پا گذاشت، اما چون پدرش نظام آموزشی مدرسه را برای فرزندش کافی و کامل نمی‌دانست، پس از پایان دوره ابتدائی وی را از مدرسه بیرون نمود، و خودش با یک برنامه ریزی دقیق، علمی و فشرده به آموزش وی همت گماشت، و قرآن، تجوید، نحو و صرف و فقه مذهب حنفی به وی آموخت.

همچنین محمد ناصرالدین بعضی از علوم دینی و عربی را نزد بعضی از دوستان پدرش مثل شیخ «سعید برهانی» فراگرفت.

و هنگامیکه علامهٔ حلب در آن زمان شیخ «راغب طباخ» از نبوغ و علاقهٔ وی به علم حدیث مطلع گردید برای بزرگداشت و اعتراف به فضل و بزرگی‌اش اجازه روایت حدیث به وی اعطا فرمود.

شیخ هنوز بیست بهار از عمر مبارکش نگذشته بود که پس از مطالعهٔ مجله «المنار» برشتهٔ تحریر شیخ رشید رضا، بسوی علم حدیث روی آورد. از زبان خود شیخ بشنویم که می‌گوید: روزی در یکی از کتابفروشی‌ها یک شماره از مجلهٔ «المنار» را دیدم، که در آن سید رشید رضا، دربارهٔ کتاب احیاء علوم الدین غزالی، و خوبی‌ها و اشکالاتی که در این کتاب وجود دارد بحثی علمی نموده بود، من برای اولین بار چنین نقد علمی را می‌دیدم، همین مسأله باعث شد تا تمام مجله را بخوانم، و آنگاه تخریج حافظ «عراقی» را بر کتاب «احیاء علوم» مطالعه و بررسی کنم، و چون خریدن پول کتاب را نداشتم آنرا به عاریت گرفتم و خواندم، وقتی که آن تخریج دقیق را دیدم، تصمیم گرفتم از آن کتاب نسخه برداری کنم، و

گمان می‌کنم این کوشش و تلاشی که در این راه صرف نمودم مرا تشویق کرد، و به ادامه این کار علاقه‌مند ساخت.

و شیخ اولین کار علمی خود را بر کتاب حافظ «عراقی» (**المغني عن حمل الأسفار، تخريج إحياء علوم**) آغاز نمود. و بعدها می‌فرمود: «از لطف و مرحمت خداوند در این کتاب فوایدی بسیار پیدا کردم.

شیخ ناصر حرفه ساعت سازی را از پدر آموخت و در این فن استادی ماهر گردید، و از این راه امرار معاش می‌نمود.

و شیخ می‌گفت: «نعمت‌های خداوند بر من بی‌شمار است، شاید مهمترین آنها دو تا باشد: هجرت پدرم به شام و آموزش حرفه ساعت سازی به من».

شیخ هر چه بزرگتر می‌شد، و معلومات وی افزوده می‌گردید، به همان اندازه عطش علمی او افزایش می‌یافت و به کتاب و مطالعه گرایش بیشتری پیدا می‌کرد، و برای رفع این عطش علمی راه مطالعه را در پیش گرفت، چون کتابهای مورد احتیاج خود را نمی‌توانست خریداری نماید، و نیز در

میان کتابهای پدرش یافت نمی‌شد، به بزرگترین کتابخانهٔ شام یعنی «کتابخانه ظاهریه» روی آورد، در آن کتابخانه علاوه از کتابهای چاپی هزاران جلد از نسخه‌های خطی و نادر وجود داشت. و شیخ مانند یک کارمند کتابخانه در تابستان و زمستان روزانه شش تا هفت ساعت برای مطالعه و نسخه برداری در آنجا می‌نشست و با همتی خستگی‌ناپذیر مشغول مطالعه و جستجو و نوت برداری می‌شد، بطوری که ساعت کار کامندان کتابخانه تمام می‌شد ولی شیخ همچنان سرگرم مطالعه و بحث بود. بعد از مدتی کلید کتابخانه به ایشان داده و اتاقی به وی اختصاص داده شد، آنگاه قبل از کارمندان به کتابخانه می‌آمد و بعد از آنها بیرون می‌رفت، و گاهی آنقدر سرگرم بحث و مطالعه می‌شد که غذا خوردن را فراموش می‌کرد، و بعضی وقتها دکان ساعت سازی را می‌بست و به کتابخانه می‌رفت و بیش از دوازده ساعت پی در پی به بحث و مطالعه می‌پرداخت، نتیجه این مطالعات و تحقیقات در تألیفات گرانبهای شیخ و در فهرست نمودن کتابهای حدیث که برای

کتابخانهٔ ظاهریه تهیه نموده بخوبی هویدا و آشکار است. حدیث و کلام رسول الله ﷺ برای راهنمایی و ارشاد شیخ آلبانی بحدّی مؤثر بود، و به وی کمک نمود تا راه و روش سلف را انتخاب نماید، و پرچم یگانه پرستی را بدوش بگیرد، و با خرافات و شطحات صوفی‌گری به مبارزه بر خیزد و با پیروان آنها جدال و مناقشه نماید.

شیخ با برگزار کردن جلسه‌های علمی در مساجد و منازل، و همچنین مسافرت به شهرهای دیگر مانند «حلب»، «لاذقیه»، «حمص»، «حماه»، وغیره، توانست مردم را بسوی این دو اصل مهم قرآن و سنت به روش سلف دعوت دهد، و روح تحقیق و پژوهش در علم روایت و درایت بین جوانان بار دیگر زنده نماید.

دعوت شیخ تنها در داخل کشور سوریه محدود نمی‌شد بلکه به کشورهای هم جوار و همسایه آن مانند «اردن» و«لبنان» نیز تأثیر گذاشت.

شیخ در دانشگاه اسلامی مدینه:

هنگامی که آوازه و شهرت شیخ در آفاق پیچید، و علم و معرفت ایشان دربارهٔ علم حدیث بر سر زبانها افتاد، برای تدریس و استادی کرسی حدیث در دانشگاه اسلامی مدینه فراخوانده شد و مدت (۳) سال در آن دیار مقدس تدریس نمود.

ولی حاسدین و حاقدین و درباریان و کسانی که با گسترش علم و آگاهی مخصوصاً علم حدیث و بررسی اسانید، ـ که شیخ از احیاء کننده‌گان آن بود ـ منافع خود را در خطر می‌دیدند آرام ننشستند، و با حیله و نیرنگ و دروغ و بهتان و تقرب به حکام، توانستند بیشتر از شش ماه شیخ را به زندان بیاندازند، و شیخ قبل از این هم در سال ۱۹٦۷م به مدت یکماه زندانی شده بود.

شیخ از خلوت زندان استفاده نمود. از آن جمله «صحیح مسلم» را مختصر نمود، قابل ذکر است که این غیر از آن مختصری که امام منذری انجام داد، که شیخ آن را نیز تحقیق

نموده است.

زندان هرگز باعث نشد تا شیخ راه دعوت و مبارزه را رها نماید، بلکه در زندان هم زندانی‌ها را بسوی قرآن و سنت دعوت می‌کرد، و در زندان نماز جمعه و جماعت بر پا می‌نمود.

شیخ آلبانی، بعد از آزادی از زندان مسیر دعوت و مبارزه را ادامه داد، تا اینکه اهل بدعت و درباریان عرصه را بر شیخ تنگ کردند تا آنجائی که شیخ مجبور به مهاجرت شد، آنگاه از سوریه به اردن هجرت نمود، و بعد دوباره به سوریه برگشت، و از آنجا به بیروت، سپس به امارات، و در نهایت به اردن رحل افکند و در شهر «عَمَّان» پایتخت اردن مسکن گزید.

تألیفات و تحقیقات:

شیخ کتابهای بسیاری را تحقیق و تخریج نموده، و کتابهای متعددی نیز تألیف نموده است، و بیشتر کتابهای شیخ تا بحال چاپ نشده است، فقط در حدود چهل کتاب تا بحال چاپ گردیده است.

و در سال ۱۹۹۹میلادی جایزه بین المللی ملک فیصل بخاطر خدمات ارزنده‌ی وی درباره کتابهای حدیث و سنت پیغمبر اکرم ﷺ به وی تعلق گرفت.

برخی از کتابهای شیخ عبارتند از:

۱ـ صلاة العيدين، ۲ـ مناسک الحج، ۳ـ فهرس مسند الإمام أحمد، ٤ ـ نقد نصوص حديثية في الثقافة الإسلامية، ٥ ـ الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام، ٦ ـ منزلة السنة في الإسلام، ٧ ـ سلسلة الأحاديث الصحيحة في الإسلام، ٨ ـ سلسلة الأحاديث الضعيفة، ٩ ـ خطبة الحاجة، ١٠ ـ صفة صلاة النبي ﷺ، إرواء الغليل، ١١ـ تمام المنَّة في التعليق على فقه السنَّة، ١٣ ـ ظلال الجنَّة، ١٤ ـ نيل المرام، ١٥ ـ صحيح الجامع الصغير وزيادته، ١٦ ـ نصب المجانيق. و دهها کتاب دیگر.

شاگردان شیخ:

شیخ شاگردان بسیاری را تربیت نموده و عده‌ای بی‌شمار از محضر ایشان کسب فیض نمودند که ما برخی از

معروفترين آنها را ذكر مى‌كنيم:

١ ـ حمدى عبدالمجيد.

٢ ـ عبدالرحمن عبدالخالق.

٣ ـ دكتر عمر سليمان الأشقر.

٤ ـ خيرالدين وائلى.

٥ ـ محمد عيد عباسى.

٦ ـ محمد ابراهيم شقره.

٧ ـ عبدالرحمن عبدالصمد.

٨ ـ مقبل بن هادى الوادعى.

٩ ـ زهير الشاويش.

١٠ ـ على خشان.

١١ ـ محمد جميل زينو.

١٢ ـ على حسن عبدالحميد.

١٣ ـ أبو إسحاق الحوينى.

١٤ ـ محمد إبراهيم الشيبانى.

١٥ ـ دكتر عاصم القريوتى.

بیماری و وفات:

شیخ در اواخر حیاتش دچار بیماریهای سختی شدند بحدّی که در روز وفات وزن ایشان کمتر از ۳۰ کیلوگرم شده بود، ولی با این وجود از فضل و کرم خداوند عقل و حافظه و ذهنش سالم بود و کسانی که به عیادتش می‌آمدند برخی را با نام و برخی دیگر را با شکل و قیافه می‌شناخت. در ایام بیماری هرگاه احساس می‌کرد که کمی حالش بهتر است به بحث و جستجو و مطالعه مشغول می‌شد و اگر توانایی نداشت به یکی از فرزندان و یا کسانی که اطراف او بودند دستور می‌داد که فلان کتاب را بیاورید و برایم بخوانید.

و اینچنین شیخ بزرگوار (٦٠) سال از عمر مبارکش را در خدمت قرآن و سنت رسول الله ﷺ سپری نمود تا اینکه قبل از غروب آفتاب روز شنبه در ۲۲ جمادی اول ١٤٢٠هـ‍ـق مطابق با ۱۹۹۹/۱۰/۲م در سن (۸۵) سالگی دعوت حق را لبیک گفت، و دار فانی را بسوی سرای باقی شتافت. روحش شاد و راهش پررهرو باد. «مترجم».

بسم الله الرحمن الرحيم

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلاّ الله وحده لا شريك له وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله أما بعد:

پس از اینکه چند نفر از دوستان و برادران پیشنهاد نمودند که کتابم «**صفة صلاة النبی ﷺ من التكبير إلى التسليم كأنّک تراها**» را تلخیص نمایم، بگونه‌ای که خلاصه‌وار و قابل فهم برای عامه‌ی مردم باشد.

این پیشنهاد را مبارک و میمون دیدم و آنرا هم راستا با درون خویش یافتم چرا که مدت زمان زیادی بود چنین فکری را داشتم و موقعیکه چنین پیشنهادی را از برادر و دوستی شنیدم مرا بر آن داشت که بطور موقت، مقداری از اوقاتم که بسیار به امور علمی مستغرق است بکاهم و به آن اختصاص دهم، پس به تحقق این پیشنهاد بر حسب طاقت و توانم پرداختم به امید اینکه خداوند مولی ـ سبحانه وتعالی ـ آنرا خالصانه برای درگاه کریمش قرار دهد و برادران مسلمانم از آن بهره و سود برند.

در آن بعضی فوائد زائد را بر (صفت «نماز») بخاطر یادآوری

افزودم و بیان صفت را در بین تلخیص ویرایش و آراسته نمودم همچنانکه توجه خاصی را به شرح بعضی از الفاظ وارده در بعضی جملات حدیث یا اذکار داده‌اند.

در آن سر فصل‌ها و عنوان‌های اصلی را قرار داده‌ام و شامل عنوان‌های فرعی زیادی که جنبه توضیحی دارند می‌باشد، و در زیر آن مسائلِ کتاب را با شماره‌های ترتیبی آورده‌ام، هر مسأله‌ای که حکم آن رکن یا واجب است، به صراحت حکم آن را بیان نموده‌ام، و در مواردی که از بیان حکم آن سکوت شده بیانگر این است که از زمرهٔ سنّت‌ها می‌باشد، و در بعضی از این موارد احتمال قول به واجب بودن هست، و جزمیت به واجب بودن یا سنت بودن آن با تحقیق علمی منافات دارد.

رکن: چیزی است که بوسیله‌ی آن، شیءی که در آن است کامل می‌شود، و عدم وجودش باعث بطلان «و عدم» چیزی می‌شود که جزء رکن آن است، مانند رکوع در نماز که رکن نماز است، و عدم رکن در نماز باعث باطل شدن نماز است[1].

شرط: همانند رکن است با این تفاوت که شرط خارج از ماهیت

---

۱ و ۲- رکن جزء ماهیت شیء است، ولی شرط خارج از ماهیت شیء است، و عدم هر دو باعث عدم شیء، و وجودشان باعث وجود می‌شود. (مترجم).

مشروط است، همانند وضو در نماز که نماز بدون وضو صحیح نیست[۲].

واجب: امر به واجب بودن در قرآن و سنت ثابت شده و دلیلی بر رکن بودن یا شرط بودن آن وجود ندارد، و فاعلش ثواب می‌برد، و تارکش مستوجب عقاب و عذاب است، بجز در حالت عذر.

واجب همانند فرض است، و تفاوت آنها اصطلاحی است که بوجود آمده و هیچ گونه دلیلی بر آن نیست.

سنّت: آن است که پیامبر ﷺ بر عبادات بطور دائم یا غالب مواظبت داشته و «عمل نموده است»، بر آن امر ایجابی نفرموده و فاعلش ثواب می‌برد، و تارکش دچار عقاب و عتاب نمی‌شود.

اما حدیثی که بعضی از مقلدین آنرا بیان می‌کنند «و بدان استناد می‌کنند» و آنرا به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهند که: **«من ترک سنتي لم تنله شفاعتي»** (هر کس سنت مرا ترک گوید، شفاعتم شامل او نمی‌شود) این حدیث هیچ اصلی مبنی به اینکه از پیامبر ﷺ باشد ندارد. در این حالت جایز نیست نسبت این سخن به پیامبر ﷺ از ترس «ممنوع و حرام بودن» نسبت دادن سخنانی که شخص از خود در آورده و به پیامبر ﷺ نسبت داده است، چرا که رسول الله ﷺ می‌فرماید: **«من قال عليَّ ما لم أقل فليتبوأ مقعده من النار»**. (هر کس بر من سخنی را نسبت دهد که آنرا نگفته‌ام، جایگاهش را برای آتش آماده نماید).

نکته قابل ذکر و مهم این است که من خود را در اصل ملتزم به هیچ یک از مذاهب اربعه‌ی رایج و پیروی شده، نکرده‌ام و «در این زمینه» مسلک اهل حدیث را پیموده‌ام؛ راه کسانیکه هر چیزی را که از پیامبر ﷺ از حدیث ثابت شده، اخذ کرده‌اند و بدین خاطر مذهب و راه آنان از مذاهب دیگر قوی‌تر است، بگونه‌ای که منصفانه هر مذهبی بدان شهادت داده‌اند، از جمله‌ی آنان علامه ابوالحسنات لکنوی حنفی است که گفته است: چگونه آنان مردوداند در حالیکه آنان وارثان به حق پیامبر ﷺ، و جانشینان بر صدق شریعتش هستند، خداوند ما را از زمره‌ی آنان محشور فرماید و ما را بر محبت و راه و روش آنان بمیراند».

و امام احمد بن حنبل ـ خداوند او را رحمت فرماید ـ گفته است:

دین النبي محمد أخبار   نعم العطیة للفتی آثارُ

لا ترغبن عن الحدیث وآله   فالرأي لیل والحدیث نهار

ولَربما جهل الفتی أثر الهدی   والشمس بازغة لها أنوارُ

۱- دین پیامبر محمد ﷺ حدیث است، احادیث و آثار پیامبر ﷺ خوب هدیه‌ایست برای جوانمردان.

٢-از حديث و پيروانش پرهيز مكن چرا كه رأى و نظر همانند شب است و حديث همانند روز.

٣-چه بسا جهل شخصى نسبت به تأثير سنت نبوى همانند خورشيد تابانى است كه نورافشانى مى‌كند (ولى باز اشخاصى با اين وجود آنرا نمى‌بينند).

دمشق ٢٦ صفر ١٣٩٢

محمد ناصرالدين آلبانى

۱- رو به قبله کردن

ای مسلمان! هر گاه برای نماز برخاستی، در هر جا که هستی، در نمازهای فرض و سنت بسوی کعبه روی آور، و رو کردن بسوی قبله رکنی از ارکان نماز است که بدون بجای آوردن این رکن نماز درست نخواهد بود.

ولی در میدان جنگ و ترس، رو به قبله نمودن ساقط می‌گردد.

*و هچنین (رو کردن به قبله) از کسی که توانایی آنرا نداشته باشد مثل: بیمار، و کسی که سوار بر کشتی، ماشین و یا هواپیما است و بیم آن می‌رود که وقت نمازش فوت گردد، ساقط می‌شود.

*و کسی که سوار یا مسافر در ماشین بود و نماز نفل یا وتر می‌خواند رو به قبله ایستادن از وی ساقط می‌گردد. ولی هنگام تکبیر اول رو به قبله نماید مستحب است، سپس به هر سمتی که مسیرش هست، برود بلا مانع است.

*و هر کسی که کعبه (بیت الله) را می‌بیند بر وی واجب

است که بسوی آن رخ نماید و اما اگـر کعبـه را نمـی‌بینـد رو کردن به جهت آن کافی است.

حکم اشتباه در نماز خواندن بطرف غیر قبله:

*اگر کسی به علت ابری بودن هوا یا علت دیگری بعـد از تلاش و جستجو به سـمت غیـر قبلـه نمـاز خوانـد، نمـازش درست است، و بر وی اعاده لازم نیست.

*و اگر کسی در حال نمـاز خوانـدن اشـتباه کـرده بـود و شخصی که به وی اعتماد دارد، آمد و او را از جهت قبله آگـاه ساخت در این صورت بر وی لازم است که بی‌تردید به سمت قبله روی نماید، و نمازش درست است.

۲- بر پا ایستادن:

بر نمازگزار واجب است که ایستاده نماز بخواند، زیرا قیـام رکن نماز است مگر برای افراد زیر:

- کسی که نماز خوف در حالت جنگ مـی‌خوانـد، بـرای وی جایز است سواره نماز بخواند.
- بیماری که توانایی ایستادن ندارد، در صورتیکه توانـایی

نشستن دارد، نشسته نماز بخواند واگرنه بر پهلو خوابیده نماز بخواند.

■ کسی که نماز نفل(سنت) می‌خواند، برایش جایز است که سواره نماز بخواند، همچنین می‌تواند نشسته نماز بخواند، با اشارهٔ سر رکوع و سجده نماید، چناچنه بیمار هم همینطور نماز می‌خواند، البته در اشارهٔ سجده، سرش را بیشتر از اشارهٔ رکوعش پایین آورد.

■ برای شخصی که نشسته نماز می‌خواند جایز نیست که چیزی بر روی زمین بگذارد و بر آن سجده کند، بلکه اشارهٔ سجده‌اش را پایین‌تر از اشارهٔ رکوعش قرار دهد چنانچه ذکر شد. و این هنگامی است که نتواند مستقیماً پیشانی خود را بر زمین بگذارد.

نمازخواندن در کشتی و هواپیما:

*خواندن نماز فرض در کشتی و همچنین در هواپیما جایز است.

*و اگر از افتادن بیم داشته باشد، می‌تواند در کشتی و

هواپیما نشسته نماز بخواند.

*و برای نمازگزار جایز است که به علت پیری یا ضعف بدنش در هنگام قیام بر ستون یا چوبدستی(عصا) تکیه دهد.

جمع نمودن میان ایستادن و نشستن:

انسان می‌تواند نماز شب (تهجد) را ایستاده یا نشسته بخواند، و یا میان ایستادن و نشستن جمع نماید، بدینصورت که نماز را نشسته آغاز کند، مقداری بخواند و اندکی قبل از رکوع بلند شود و چند آیه‌ای ایستاده بخواند. و بعد از آن رکوع و سجده نماید، سپس در رکعت دوم همین طور عمل کند.

*و هر گاه نشسته نماز خواند چهار زانو بنشیند، یا هر طوری که برایش راحت باشد.

نماز خواند با کفش:

*پای برهنه و همچنین با کفش نماز خواندن جایز است.

*و بهتر اینست که هر طور برایش میسر شد، گاهی بدون کفش و گاهی با کفش نماز بخواند، و خود را برای پوشیدن و بیرون کردن کفش در نماز به سختی نیاندازد، بلکه اگر پای برهنه

باشد، با پای برهنه نماز بخواند، و اگر کفش پوشیده باشد، با کفش نماز بخواند، مگر اینکه مانعی وجود داشته باشد.

*و اگر کفشهایش را بیرون آورد نباید در سمت راستش بگذارد، بلکه در سمت چپ خود بگذارد در صورتی که سمت چپش شخص نمازگزار نباشد، وگرنه آن را بین پاهایش[۱] بگذارد، این دستور و فرمان از پیامبر ﷺ به صحت رسیده است.

نماز خواندن بر منبر:

*و برای آموزش مردم جایز است که امام بر مکانی بلند همچون منبر بایستد و نماز بخواند، پس بر آن تکبیر گوید، قرائت کند، و رکوع نماید، و در حالی که به عقب بر گردد پایین بیاید تا اینکه بتواند بر زمین (در کنار منبر) سجده نماید. آنگاه به جای خودش بر گردد و در رکعت دومی نیز همان

---

۱ - در این مسأله اشاره لطیفی است به اینکه کفشهایش را جلوی خود نگذارد، و این ادبی است که بیشتر نمازگزاران نسبت به آن بی‌توجهی می‌کنند و چه بسا مشاهده می‌کنیم که بسوی کفشهایشان نماز می‌گزارند!

کارهایی را انجام بدهد که در رکعت اولی انجام داد.

نماز خواندن به سوی ستره[1] و نزدیک شدن به آن واجب است:

نماز خواندن بطرف ستره واجب است، در مسأله ستره مسجد و غیر مسجد و بزرگ و کوچک بودن مسجد تفاوتی نمی‌کند، زیرا رسول الله ﷺ می‌فرماید: **«لا تصلِّ إلاَّ إلى سترة ولا تدع أحداً يمر بين يديک، فإنَّ أبى فلتقاتله فإنَّ معه القرين»** عمومیت دارد.

یعنی: فقط بسوی ستره نماز بخوان، و هرگز نگذار کسی از جلویت عبور کند، پس اگر کسی اصرار ورزید با وی گلاویز شو (بجنگ) زیرا شیطان همراه وی است.

*نزدیک شدن به ستره واجب است، زیرا رسول اکرم ﷺ به آن امر نموده است.

*فاصلهٔ جایی که پیامبر ﷺ سجده می‌نمود تا دیواری که

۱- چیزی که نمازگزار در جلو خودش قرار می‌دهد تا کسی از سجدگاهش عبور نکند.

بطرف آن نماز می‌خواند به اندازه عبور یک گوسفند بود. پس کسی که اینچنین عمل نماید به آن نزدیک شدن واجب عمل نموده است[۱].

طول ستره:

واجب است ستره به اندازهٔ یک یا دو وجب از زمین بلند باشد، زیرا رسول الله ﷺ فرموده است: «**إذا وضع أحدكم بين يديه مثل مؤخرة الرحل**[۲] **فليُصلِّ ولا يبالِي مَنْ مَرَّ مِن وراء ذلک**».

هر گاه یکی از شما جلوی خودش چیزی مانند آخر پالان شتر گذاشت، آنگاه نماز بخواند، و پشت آن اگر کسی عبور نمود، هیچ اشکالی ندارد.

۱- بنابراین آنچه مردم در تمام مساجدی که دیده‌ام در سوریه وغیره انجام می‌دهند، بطوریکه به دور از دیوار و وسط مسجد نماز می‌خوانند، چیزی جز غفلت از این دستور و فعل پیامبر ﷺ نیست.

۲- آن چوبی است که در آخر پالان شتر است، و رحل (پالان) برای شتر مانند زین برای اسب می‌باشد. وحدیث اشاره به این دارد که خط کشیدن روی زمین کافی نیست، و حدیثی که در این زمینه روایت شده ضعیف می‌باشد.

*مستقیم در برابر ستره قرار گیرد، زیرا ظاهر دستور نماز بسوی ستره همین را می‌رساند، اما اینکه مقداری سمت چپ یا راست ستره قرار گیرد بطوری که مستقیم و برابرش نباشد، به ثبوت نرسیده است.

*نماز خواندن بسوی درخت و ستون، و عصا و هر چیزی مانند آن که در زمین نصب شده باشد، جایز است.

*و همچنین اگر فرد بسوی همسرش که بر تخت خوابیده در حالی که زیر لحاف است، نماز بخواند، اشکالی ندارد، و همچنین نماز خواندن بسوی حیوان اگر چه شتر باشد، درست است.

نماز خواندن بسوی قبر (گور) حرام است.

نماز خواندن بسوی قبر مطلقاً جایز نیست، فرقی نمی‌کند که قبر پیامبران باشد، یا قبر دیگران.

عبور کردن از جلوی نمازگزار حرام است، اگر چه در مسجد الحرام باشد:

هر گاه جلوی نماز گزار ستره وجود داشته باشد، عبور

کردن از میان وی و ستره‌اش جایز نیست، در این مورد مسجد الحرام و مساجد دیگر با هم فرقی نمی‌کنند. زیرا سخن پیامبر ﷺ: «کسی که از جلوی نمازگزار عبور می‌کند اگر می‌دانست چه گناهی بر وی می‌باشد، هر آئینه چهل (روز یا سال ...) می‌ایستاد برایش بهتر بود از اینکه از جلویش عبور کند»[1]، شامل همه مساجد می‌شود.

بر نمازگزار واجب است که نگذارد کسی در جلویش عبور کند، اگر چه در مسجد الحرام باشد.

*برای کسی که بسوی ستره نماز می‌خواند جایز نیست بگذارد کسی از جلویش عبور کند، بخاطر حدیث سابق: «... هرگز نگذار کسی از جلویت عبور کند...».

و فرمان پیامبر ﷺ: «هر گاه یکی از شما بسوی چیزی (ستره‌ای) نماز خواند و کسی خواست از جلویش بگذرد، باید

۱- واما حدیث نماز پیامبر ﷺ در کنار مطاف بدون ستره در حالی که مردم در جلویش عبور می‌کردند، صحیح نیست. و بعلاوه اینکه در آن ذکر نیست که مردم از میان ایشان و محل سجده‌اش عبور می‌کردند.

بـا زدن بـه سـینه‌اش او را منـع نمایـد، و تـا مـی‌توانـد او را برگرداند. و در روایتی آمده: «دوبار او را منع نماید». پس اگـر آن شخص خودداری نکرد در اینصورت با وی بجنگد زیرا که او شیطان است».

جلو رفتن برای مانع شدن از عبور:

*برای جلوگیری از عبور غیر مکلف مانند حیوان(چارپـا)، یا کودک از جلوی نمازش، جایز است که یک قـدم یـا بیـشتر به جلو برود، تا اینکه از پشت سر وی عبور کند.

آنچه نماز را قطع می‌نماید:

*اهمیت ستره در نماز برای شخصی کـه بـسوی آن نمـاز می‌خواند در اینست که از فاسد شدن نمـاز وی در صـورتیکه از جلویش عبور شود، جلوگیری می‌کند، بر خلاف کـسی کـه ستره نگذاشته است، که در این صورت اگر جلویش زنی بالغ، و همچنین الاغ یا سگی سیاه عبور کند نمـازش قطـع (باطـل) می‌شود.

۳ ـ نیت

*بر نمازگزار لازم است آن نمازی را که برای آن برخاسته نیت نماید، و با قلبش آن را معیّن کند. بعنوان مثال: فرض ظهر یا عصر یا سنت ظهر یا سنت عصر ـ و نیت شرط یا رکن می‌باشد، و اما تلفظ نمودن نیت با زبان بدعت و مخالف سنت است، و هیچ یک از ائمه چهارگانه این را نگفته است.

۴ ـ تکبیر الإحرام «تحریمه»:

پس با گفتن: «الله اکبر» که رکن است، نماز را آغاز نماید، زیرا که رسول الله ﷺ فرمود: «پاکیزگی و طهارت کلید نماز است، و تکبیر سبب تحریم آن، و سلام سبب تحلیل آن است»[۱].

*در تمام نمازها با صدای بلند تکبیر نگوید مگر اینکه امام باشد.

*هر گاه نیاز باشد مثل بیمار بودن امام، و آهسته بودن

---

۱ - یعنی: تحریم آن افعالی که خداوند حرام گردانده و همچنین تحلیل آن، یعنی: تحلیل آن چه که در بیرون از نماز حلال گردانده است. و مقصود از تحریم و تحلیل: محرم(حرام شده) و محلل (حلال شده) می‌باشد.

صدایش، یا بسیار بودن جماعت نمازگزاران، جایز است که مؤذن تکبیر إمام را به مردم برساند.

*پیرو تکبیر نگوید مگر بعد از اینکه تکبیر امام تمام و کامل شود.

بلند کردن دستها و چگونگی آن:

همزمان با تکبیر، یا قبل از آن، و یا بعد از آن، دستهایش را بلند نماید، همه اینها در سنت به ثبوت رسیده است.

*و در حالی که انگشتان کشیده شده، دستهایش را بلند کند.

*و دو کف دستش را برابر شانه‌هایش قرار دهد، وگاهی در بلند نمودن دستها مبالغه نماید بطوریکه نزدیک گوشهایش برساند[1].

دست بستن و چگونگی آن:

*بعد از تکبیر دست راستش را بر دست چپ بگذارد، و

---

١ - و اما با انگشتان ابهام نرمه گوش را دست زدن و گرفتن، در سنت هیچ اصلی ندارد، بلکه نزد من این کار ریشه در وسوسه دارد.

این از سنت پیامبران علیهم السلام می‌باشد و رســـول الله ﷺ یـارانش را به آن امر نموده است، پس باز گذاشتن آن جایز نیست.

*دست راستش را بر پشت کف چپش و بر مچ آن بگذارد.

*و گاهی با دست راست دست چپ را بگیرد[۱].

جای گذاشتن:

*دستهایش را فقط روی سینه‌اش بگذارد و در ایـن مـورد زن و مرد یکسان می‌باشند[۲].

*و گذاشتن دست راست بر پهلو جایز نیست.

خشوع و نگاه کردن به جای سجده:

*بر نمازگذار لازم است که در نمازش خـشوع و فروتنـی نماید، و از نقش و نگارها و هر آنچه کـه او را از نمـاز بخـود مشغول می‌سازد، اجتناب و دوری کند و هنگام حاضـر شـدن غذایی که اشتهای خوردن آن را دارد، و همچنین هنگـامی کـه ادرار و مدفوع به وی فشار آورده است (احتیاج به دستـشویی

۱- اما جمع کردن میـان گذاشـتن دسـت و گـرفتن بطـور همزمـان کـه بعـضی از متأخرین آنرا پسندیده‌اند در سنت اصلی ندارد.

۲- و دست را بر غیر سینه گذاشتن یا ضعیف است و یا اصلی ندارد.

رفتن دارد) نباید در این حال نماز بخواند.

*و در حالت قیام به سجده‌گاهش نگاه کند.

*نباید گردن یا سینه به چپ و راستش حرکت کند، زیرا این نوعی دزدی است که شیطان از نماز بنده می‌رباید.

*و همینطور بلند کردن چشم بسوی آسمان جایز نیست.

دعای استفتاح:

*سپس قرائت را با برخی از دعاهای ثابت شده از رسول الله ﷺ آغاز نماید، و دعاهای استفتاح بسیارند که مشهورترین آنها: «**سبحانک اللهم وبحمدک وتبارک اسمک وتعالی جدّک، ولا إله غیرک**»(۱)، می‌باشد.

و فرمان رسول الله ﷺ به خواندن عای استفتاح به ثبوت رسیده است، در نتیجه شایسته است که همیشه آنر بخواند(۲).

۱- پروردگارا تو را به پاکی یاد می‌کنم و تو را ستایش می‌گویم، و با برکت است نام تو، و بلندمرتبه است بزرگواری تو، و بجز تو معبودی بحق نیست.

۲- و کسانی که مایلند بر بقیه ادعیه استفتاح اطلاع یابند به کتاب «صفه الصلاه» (ص۷۲ ـ۷۳) چاپ دهم یا یازدهم، و ترجمه فارسی آن از انتشارات حرمین ـ زاهدان، مراجعه نمایند.

۵ ـ قرائت:

*سپس واجب است که به خدا پناه ببرد **«أعوذ بالله»** بگوید و ترک آن گناه محسوب می‌شود.

*و سنت است که گاهی: **«أعوذ بالله من الشیطان الرجیم، من همزه ونفخه ونفثه»** بگوید. و نفث در اینجا بمعنای شعر مذموم می‌باشد.

*وگاهی نیز: **«أعوذ بالله السمیع العلیم، من الشیطان الرجیم»** بگوید.

*آنگاه در نمازهای جهری و سری(نهفته)، با صدای آهسته **«بسم الله الرحمن الرحیم»** بگوید.

خواندن فاتحه:

*سپس سورهٔ فاتحه را کاملاً بخواند و «بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ» نیز جزء آن است. باید دانست که خواندن فاتحه رکن نماز است و بدون آن نماز صحیح نمی‌شود، پس حفظ نمودن آن برای کسانی که زبانشان عربی نیست واجب است.

*کسی که توانایی حفظ فاتحه را ندارد، کافی است که بگوید: «**سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلاَّ الله، الله أكبر، ولا حول ولا قوة إلاَّ بالله**».

*و سنت است که آنرا آیه آیه بخواند، یعنی بر آخر هر آیه‌ای توقف کند، به این صورت که: «**بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ**» بگوید سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «**ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ**» سپس وقف نماید، آنگاه بگوید: «**ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ**» سپس وقف کند، آنگاه بگوید: «**مَٰلِكِ يَوْمِ ٱلدِّينِ**» سپس وقف کند، و تا آخر اینچنین بخواند.

وتمام قرائت پیامبر ﷺ اینچنین بود، و بر هر آیه‌ای وقف می‌نمود، و آنرا با آیه بعدی وصل نمی‌نمود، گرچه از نظر معنا به آن وابسته باشد.

*و «مالک»، «مَلک» خواندن هر دو جایز می‌باشد.

خواندن سوره فاتحه برای مقتدی (پیرو):

بر مقتدی واجب است که در نمازهای سری پشت سر امام سورهٔ فاتحه را بخواند، و همچنین در نمازهای جهری در صورتی که قرائت امام را نشنود، یا اگر امام بعد از خواندن آن سکوت نمود بطوری که مقتدی بتواند سورهٔ فاتحه را بخواند، اگر چه این سکوت در سنّت به نظر ما ثابت نیست[1].

بعد از فاتحه خواندن:

*سنت است که بعد از خواندن سورهٔ فاتحه در دو رکعت أوّلی یک سوره، یا چند آیه بخواند، همچنین در نماز جنازه.

*گاهی بعد از فاتحه قرائت چند آیه را طولانی نماید، و گاهی هم بخاطر مشکلاتی چون سفر، سرفه، بیماری، یا گریهٔ کودک قرائت را کوتاه نماید.

*قرائت قرآن در نماز چند صورت دارد: مثلاً: قرائت در نماز صبح طولانی‌تر از بقیه نمازهای پنجگانه است، و به

۱- در کتاب سلسله أحادیث ضعیفه (شماره ٥٤٦ و ٥٤٧) مستند کسانی که به آن قائل هستند و پاسخ به آنها را ذکر نموده‌ام.

ترتیب بعد از آن نماز ظهر، نماز عصر، عشاء، و در پایان نماز مغرب در غالب اوقات.

*قرائت در نماز شب از قرائت همهٔ نمازها طولانی‌تر است.

*در سنت معلوم است که قرائت رکعت اول طولانی‌تر از قرائت رکعت دوم نماید.

*و قرائت در دو رکعت آخر به اندازهٔ نصف قرائت در دو رکعت اول کوتاهتر نماید[۱].

در هر رکعت فاتحه خواندن:

*خواندن فاتحه در هر رکعت واجب است.

*و همچنین سنت است که احیاناً در دو رکعت آخر چیزی غیر از فاتحه بخواند.

*برای پیشوا جایز نیست بیشتر از آن مقداری که در سنت وارد شده، نماز را طولانی نماید، زیرا با اینکار برای کسانی که

۱- تفصیل این مسأله را می‌توانید در کتاب «صفه الصلاه» (ص۸۳) چاپ یازدهم بخوانید، همچنین به چاپ فارسی آن از انتشارات حرمین ـ زاهدان مراجعه کنید.

پشت سر وی هستند کار را دشوار می‌نماید، شاید مرد بزرگسالی یا بیماری، یا زنی که کودک شیرخوار دارد و یا شخصی که کاری ضروری دارد پشت سرش باشد.

بلند و آهسته خواندن:

*خواندن فاتحه و برخی از آیات قرآن را در نماز صبح، جمعه، نماز عید، استسقاء(طلب باران)، کسوف(ماه گرفتگی) و دو رکعت اول از نماز مغرب و عشاء با صدای بلند بخواند.

*و اما در نماز ظهر، عصر، رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشاء با صدای آهسته بخواند.

*برای امام جایز است که گاهی در نمازهای سری آیه‌ای بلند بخواند و پیروان آنرا بشنوند.

*و اما نماز شب و وتر را گاهی آهسته، و گاهی با صدای بلند بخواند، و در بلند نمودن آواز اعتدال را رعایت نماید.

خواندن قرآن با ترتیل (تجوید):

*سنت است که قرآن را با تجوید و ترتیل بخواند، نه یک نفس و با عجله، بلکه طوری بخواند که همه حروف آشکار

شود، و صدایش به قرائت قرآن زینت بخشد، و با نوای خوب طبق آن احکامی که نزد اهل علم به تجوید معروف است، تلاوت نماید، نه با نواهای اختراعی و قوانین موسیقی معروف.

یادآوری به امام:

*هر گاه قرائت برای امام دشوار گردد یا در اشتباه افتد، برای مأموم جایز است که امام را یادآوری کند.

۶ ـ رکوع:

*پس هنگامی که از قرائت فارغ شود، به اندازه‌ای که به نفسش بر گردد، سکوت نماید.

*سپس همچنانکه در تکبیرة الإحرام ذکر شد دستهایش را بلند کند.

*و تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است.

*آنگاه رکوع نماید، به اندازه‌ای که مفصلهایش استقرار پیدا کند، و هر عضوی بجای خودش بر گردد، و این رکن است.

چگونگی رکوع:

*دستهایش را بر زانوهایش گذاشته، و زانوهایش را محکم بگیرد، و انگشتانش را باز بگذارد، اینها همه واجب است.

*و پشت خود را پهن و دراز نماید ـ بطوری که اگر بر پشتش آب ریخته شود آنجا بماند ـ و این واجب می‌باشد.

*و سرش را پائین و یا بالا نگیرد، بلکه برابر با پشتش قرار دهد.

*دو آرنجش را از پهلویش دور نگه دارد.

*و در رکوعش سه مرتبه یا بیشتر، **«سبحان ربي العظيم»**(۱) بگوید.

برابر و یکسان قرار دادن ارکان با هم:

*و یکسان قرار دادن ارکان در طولانی بودن، سنت است. پس رکوعش، و بلند شدنش بعد از رکوع، و سجودش، و

۱- اذکار دیگری برای گفتن در رکوع نیز وارد شده، برخی از آنها طولانی و برخی متوسط و برخی دیگر کوتاه می‌باشند، به صفه صلاه النبی ﷺ ص ۱۱۳ چاپ یازدهم، و ترجمه فارسی آن مراجعه شود.

نشستنش بین دو سجده، از نظـر طـولانی بـودن بایـد یکـسان باشند.

*قرآن خواندن در رکوع یا در سجده جایز نیست.

(اعتدال) راست شدن از رکوع:

*سپس پشت خود را از حالت رکوع بلند کند، و این رکن است.

*و در اثنای اعتدال (راست شـدن) «**سـمع الله لمـن حمـده**». بگوید. و این واجب است.

*به کیفیت‌هایی که گذشت، دستهایش را در اعتـدال بلنـد نماید.

*سپس معتدل و مطمئن بایـستد تـا اینکـه هـر اسـتخوانی جای خودش را بگیرد، و این رکن است.

*و در این حالت «**ربنا ولک الحمد**»[1] بگوید، و گفـتن آن بر هر نمازگزاری واجب است، اگر چـه پـشت سـر امـام هـم

۱- و اذکار دیگری نیز هست که در این رکن گفته می‌شود، بـه صـفه صـلاه النبـی ﷺ (ص: ١١٦) چاپ یازدهم مراجعه نمایید.

باشد(١).

زیرا که این ورد مخصوص قیام است، اما **«سمع الله لمن حمده»** ورد اعتدال می‌باشد.

*و این قیام و رکوع را به یک اندازه طولانی نماید، همچنانکه گذشت.

سجده کردن بر زمین:

*سپس **«الله اکبر»** بگوید و این واجب است.

*و گاهی دستهایش را بلند نماید.

بر دستها به زمین رفتن:

*سپس برای سجده کردن بر دستهایش به زمین رود، و آن را قبل از زانوهایش بر زمین بگذارد، چون رسول الله ﷺ چنین امر نموده، و همچنین از عمل پیامبر ﷺ ثابت می‌باشد، و ایشان نمازگزاران را از زانو زدن مانند شتر نهی کرده است، و شتر بر دو زانوئی که در دستهایش است، زانو می‌زند.

٢- در این قیام چون دست بستن وارد نشده است، مشروع نیست، جهت توضیح بیشتر به اصل کتاب صفه صلاه النبی ﷺ مراجعه نمایید.

*پس هنگامی که سجده کـرد، ـ و ایـن رکنـی از رکنهـای نماز است ـ بر دو کف دستش تکیه نماید و آنها را باز کند.

*و انگشتانش را به هم بچسباند.

*و آنها را به سوی قبله بگذارد.

*و دو کفهایش را برابر شانه‌هایش قرار دهد.

*و گاهی برابر گوش‌هایش بگذارد.

*واجب است که ساعدش را از زمین بلند کنـد، و آنطـور که سگ دستهایش بر زمین می‌گذارد بر زمین نگذارد.

*بینی و پیشانیش را محکم روی زمین بگـذارد، و ایـن از ارکان نماز است.

*و همچنین زانوهایش را محکم روی زمین بگذارد.

*و همچنین سر انگشتان پاهایش را محکم بر زمین بگذارد.

*و پاهایش را راست و ایستاده بگیرد، همـه اینهـا واجـب است.

*و سر انگشتان پاهایش را به سمت قبله قرار دهد.

*و عقب(پاشنه) پاهایش را به هم نزدیک کند و بچسباند.

اعتدال(آرام گرفتن) در سجده:

*بر نمازگزار واجب است که در سجده‌اش اعتدال داشته باشد، به این معنا که بر تمام اعضای سجده‌اش بطور مساوی و یکسان تکیه کند، و اعضای سجده عبارتند از: پیشانی و بینی، و دو کف دست، ودو زانو، و سر انگشتان دو پا.

*و اگر کسی به این کیفیت در سجده‌اش اعتدال را رعایت نمود، همانا بطور یقین اطمینان و آرام گرفته است، و همچنین اطمینان و آرام گرفتن در سجده از ارکان نماز است.

*و در سجده‌اش سه بار یا بیشتر: «**سبحان ربي الأعلى**»[1] بگوید.

*و مستحب است که در سجده بسیار دعا کند، زیرا که امید اجابت است.

*و همچنانکه گذشت سجده‌اش را باندازۀ رکوعش طولانی نماید.

۱- و اذکار دیگری نیز وجود دارد که برای اطلاع از آنها می‌توانید به صفه الصلاه النبی ﷺ (ص۲۷) چاپ عربی، و ترجمه فارسی آن، از انتشارات حرمین ـ زاهدان ـ ایران مراجعه نمایید.

*سجده بر زمین، و همچنین بر چیزهایی مانند: لباس، فرش، حصیر، و مانند اینها، که بین زمین و پیشانی، مانع باشند جایز است.

*در سجده خواندن قرآن جایز نیست.

افتراش و نشستن میان دو سجده:

*سپس با گفتن «**الله أکبر**» سرش را بلند کند، و این واجب است.

*در بعضی اوقات دستهایش بلند نماید.

*آنگاه مطمئن و آرام بنشیند تا اینکه هر استخوانی در جای خودش قرار گیرد، و این از ارکان نماز است.

*و پای چپش را بگستراند (پهن کند) سپس بر آن بنشیند، و این واجب است.

*و پای راستش را ایستاده نگه دارد.

*و انگشتانش را بسوی قبله نگه دارد.

*و گاهی نشستن به صورت اقعاء[1] جایز است، و اقعاء

۱ـ اقعاء: این است که دو پای خویش را بر زمین نهاده بطوری که بدن او روی کف پاهای او قرار گیرد.

بمعنای این است که بر پاشنه و سینه قدمهایش بنشیند.

*و در این جلسه: «**اللهم اغفر لي، وارحمني، واجبرني، وارفعني، وعافني، وارزقني**». بگوید.

*و اگر خواست: «**رب اغفر لي، رب اغفر لي**» بگوید.

*و این جلسه را تقریبا به اندازه سجده‌اش طولانی نماید.

سجدهٔ دوم:

*سپس «**الله أكبر**» بگوید، و این واجب است. و بعضی اوقات با این تکبیر دستهایش را بلند نماید.

*و سجدهٔ دوم را انجام دهد، و این سجده نیز از ارکان نماز است.

*و کارهایی را که در سجدهٔ اول انجام داد، در این سجده نیز انجام دهد.

جلسهٔ استراحت:

*سپس وقتی که سرش را از سجدهٔ دوم بلند نمود، و خواست برای رکعت دوم بلند شود، تکبیر بگوید، و این تکبیر واجب است.

*و گاهی دستهایش را بلند کند.

*و چند لحظه معتدل و آرام بر پای چپش بنشیند، تا اینکه هر استخوانی به جای خودش برگردد.

رکعت دوم:

*سپس با دستهای مشت کرده همانطور که شخص خمیر کننده مشت می‌کند، بر زمین تکیه کند، و برای رکعت دوم برخیزد، و این رکعت دوم از ارکان نماز است.

*و همان کارهایی که در رکعت اول انجام داد در رکعت دوم نیز انجام دهد.

*مگر اینکه دعاء استفتاح را در رکعت دوم نخواند.

*و رکعت دوم را از رکعت اول کمی کوتاهتر کند.

نشستن برای تشهد:

*و پس از اینکه از رکعت دوم فارغ شد، برای تشهّد بنشیند، و این واجب است.

*و به حالت افتراش، بنشیند چنانچه در جلسهٔ (نشستن) میان دو سجده گذشت.

*اما در تشهد جایز نیست که بصورت اقعاء بنشیند.

*و کف دست راستش را بر ران و زانوی راست، بگذارد، و آخر آرنج راستش را بر رانش بگذارد، و از آن دور ننماید.

*و کف دست چپش را بر ران و زانوی چپش بگستراند.

*و جایز نیست بر دستش تکیه زده و بنشیند، مخصوصاً بر دست چپ.

حرکت دادن انگشت، و نگاه بسوی آن:

*گاهی همهٔ انگشتان دست راستش را مشت کند، و انگشت ابهام را بر انگشت وسطی بگذارد.

*و گاهی انگشت ابهام را با وسطی حلقه نماید.

*و با انگشت سبّابه (شهاده) بسوی قبله اشاره کند.

*و به انگشتش نگاه کند.

*و از اول تشهد تا آخرش آنرا حرکت دهد و با آن دعا نماید.

*و با انگشت دست چپش اشاره نکند.

*و همه اینهایی که گفته شد در هر تشهد انجام دهد.

لفظ تشهد و دعا خواندن بعد از آن:

*تشهد واجب است، و اگر فراموش نمود سجده سهو بجای آورد.

*و تشهد را آهسته بخواند.

*و لفظ آن: **«التحيات لله، والصلوات والطيبات، السلام على النبي** (١) **و رحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلاّ الله، وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله»** مى‌باشد.

وبعد از آن بر پيامبر ﷺ درود بفرستد، پس چنين بگويد: **«اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنک حميد مجيد، اللهم بارک على محمد وعلى آل محمد، كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنک حميد**

١- واين لفظ (يعنى: على النبى) بعد از وفات پيامبر ﷺ مشروع و جايز است، زيرا اين لفظ در تشهد ابن مسعود وعائشه وابن زبير وابن عباس رضي الله عنهم به ثبوت رسيده است، و كسى كه خواهان تفصيل اين مسأله است به كتابم صفه صلاه النبى (ص١٤٢) مراجعه نمايد.

مجید»[۱].

و اگر خواستی که مختصر بخوانی، بگـو: **«اللهـم صـل علـی محمد، وعلی آل محمـد، وبـارک علـی محمـد وعلـی آل محمـد، کـما صلیت وبارکت علی إبراهیم، وعلی آل إبراهیم، إنک حمید مجید»**.

*سپس از دعاهای وارد شده هر دعایی که مورد پسند وی است، انتخاب نموده و در این تشهد، با آن دعاهـا خداونـد را بخواند.

رکعت سوم و چهارم:

*سپس تکبیر بگوید، و این تکبیر واجـب اسـت، و سـنت این چنین است که در حـالی کـه هنـوز نشـسته اسـت تکبیـر بگوید.

*و گاهی دست‌هایش را بلند کند.

*سپس برای رکعت سوم بلند شود، و ایـن رکعـت ماننـد رکعت بعدی(چهارمی) رکن نماز است.

۱- در کتابم الفاظ ثابت دیگـر تـشهد وجـود دارد، وآنچـه در اینجـا ذکـر کـرده‌ام صحیح‌ترین آنها می‌باشد.

*و هنگام برخاستن برای رکعت چهارم همین کارها را انجام می‌دهد.

*مگر قبل از اینکه برای رکعت چهارم بلند شود، آرام و معتدل بر پای چپش بنشیند (جلسهٔ استراحت) تا اینکه هر استخوانی بجای خودش برگردد.

*آنگاه با تکیه کردن بر دستهایش بلند شود، همچنانکه در برخاستن به رکعت دوم انجام داد.

*سپس در هر یک از رکعت سوم و چهارم واجب است سورهٔ فاتحه را بخواند.

*و گاهی یک آیه یا بیشتر بعد از فاتحه بخواند.

قنوت نازله:

*برای نمازگزار سنت است بخاطر مصیبتی که بر مسلمانان وارد شده قنوت بخواند و برای آنها دعا نماید.

*و جای خواندن قنوت بعد از برخاستن از رکوع و گفتن «**ربنا لک الحمد**» می‌باشد.

*دعای مخصوصی ندارد، بلکه دعاهایی را که با آن مشکل

و مصیبت مناسبت دارد بخواند.

❋و در این دعای قنوت دستهایش را بلند می‌کند.

❋و اگر امام است دعای قنوت را با صدای بلند بخواند.

❋و کسانی که مأموم هستند آمین بگویند.

❋و هنگامیکه از دعا فارغ شد تکبیر گفته و سجده نماید.

قنوت وتر و جای خواندن آن:

❋خواندن دعای قنوت در وتر گاهی اوقات مشروع و جایز است.

❋و جای آن قبل از رکوع است، بخلاف قنوت نازله.

❋و در آن این دعا را بخواند: «**اللهم اهدني فيمن هديت، وعافني فيمن عافيت، وتولَّني فيمن توليت، وبارك لي فيما أعطيت وقني شر ما قضيت، فإنَّك تقضي ولا يقضى عليك، إنَّه لا يذلّ من واليت، ولا يعزّ من عاديت، تباركت ربنا وتعاليت، ولا منجا منك إلاَّ إليك**».

❋و رسول الله ﷺ این دعا را به اصحابش آموزش داد،

پس نباید چیزی بر آن افزود، مگر درود و صلاه بر پیـامبر ﷺ که بخاطر ثابت بودنش از اصحاب ﷺ جایز است.

*سپس رکوع و دو بار سجده کند، چنانکه گذشت.

تشهد آخری، و نشستن به حالت تَوَرُّک[۱]:

*سپس برای تشهد آخری بنشیند، و هر دو تـشهد واجـب است.

*و کارهایی را که در تشهد اول انجـام داد در ایـن تـشهد هم انجام دهد.

*بجز اینکه در این تشهد بحالت تـورک بنـشیند، بـه ایـن کیفیت که سرین چپش را بر زمین گذاشته، و هر دو قدمش را از یک سمت بیرون بیـاورد، و پـای چـپ را زیـر سـاق پـای راستش قرار دهد.

*و قدم راستش را نصب کند.

*و گاهی پهن کردن آن نیز جایز است.

۱ـ متورک به این معنی: طوری دو زانو بنشیند که پشت پای چپ، روی کـف پـای راست قرار بگیرد.

*و با کف دست چپش زانویش را بگیرد و بر آن تکیه زند.

واجب بودن درود بر پیامبر ﷺ و از چهار چیز پناه خواستن:

*بر نمازگزار واجب است در این تشهد بر پیامبر ﷺ درود بفرستد، و ما بعضی از درود را در تشهد اول ذکر نمودیم.

*و همچنین بر نمازگزار واجب است از چهار چیز، به خداوند پناه برد و بگوید: «**اللهم إنّي أعوذ بک من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن شر فتنة المسيح الدجال**»[۱].

دعا نمودن قبل از سلام:

*سپس با انتخاب خودش از آن دعاهایی که در کتاب و سنت به ثبوت رسیده است برای خودش دعا نماید. و این دعاها بسیارند و دعاهای خوبی هستند، اما اگر چیزی از این

۱- فتنهٔ محیا: فتنه‌هایی که در زندگی انسان بر اثر دنیا و شهواتش برای وی اتفاق می‌افتد، و فتنهٔ ممات: عبارت است از فتنهٔ قبر و سؤال دو فرشته، و فتنهٔ مسیح دجال: آن کارهای خارق العاده‌ای که به دستش آشکار می‌شود، و با آن بسیاری از مردم را گمراه می‌سازد، و با ادعای الوهیت او را پیروی می‌نمایند.

دعاها نمی‌دانست، آنچه برایش میسر است، و در دین و دنیا به وی فایده می‌رساند، دعا کند.

سلام دادن و انواع آن:

*سپس بطرف راستش «**السلام عليكم ورحمة الله**» گوید، و آنقدر صورتش را بچرخاند تا اینکه سفیدی رخسارش دیده شود، و سلام از ارکان نماز است.

*و پس از آن بطرف چپش سلام دهد تا اینکه سفیدی رخسار چپش دیده شود، اگر چه در نماز جنازه باشد.

*امام برای سلام دادن صدای خودش را بلند می‌کند، مگر در نماز جنازه که با صدای آهسته سلام دهد.

*و سلام دادن انواعی دارد:

اول: بطرف راستش: «**السلام عليكم ورحمة الله وبركاته**».

وبطرف چپش: «**السلام عليكم رحمة الله**»، بگوید.

دوم: مانند سلام اول سلام بگوید بدون اینکه: «**وبركاته**» بگوید.

سوم: بطرف راستش: **«السلام عليكم ورحمة الله»**، وبطرف چپش: **«السلام عليكم»** بگوید.

چهارم: روبروی خود یک سلام می‌دهد، و در وقت سلام کمی به طرف راستش مایل می‌شود.

ای برادر مسلمان! این فرصت برایم پیدا شد تا روش نماز پیامبر ﷺ را مختصر نمایم. کوشش نمودم تا چگونگی نماز را برای شما نزدیک نمایم تا برای شما واضح و روشن گردیده و در ذهن شما مجسم گردد و بطوریکه گویا نماز رسول الله ﷺ را در برابر چشمانت می‌بینی، پس اگر تو چنانچه من نماز پیامبر ﷺ را توصیف نمودم، نماز بخوانی، امیدوارم خداوند از تو بپذیرد، زیرا در اینصورت تو به قول پیامبر ﷺ: **«صلّوا كما رأيتموني أصلي»**[1] جامه عمل پوشیدی.

سپس بعد از اینها بر شما لازم است که اهمیت حضور قلب، خشوع و فروتنی در نماز را فراموش نکنید، زیرا که حضور قلب و خشوع مقصود بزرگ و اصلی ایستادن بنده در

۱- آنگونه که مرا می‌بینید نماز می‌خوانم، نماز بخوانید.

جلوی پروردگارش می‌باشد، و هر اندازه که با خشوع و فروتنی بیشتر نماز بخوانی، و نمازت به چگونگی و کیفیت نماز رسول الله ﷺ نزدیکتر باشد، از آن نتیجه و ثمره‌ای که پروردگارمان به آن اشاره نموده: ﴿إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾. (العنکبوت: ٤٥)[1]. بیشتر برخوردار خواهی شد.

و در پایان از خداوند بزرگ مسألت دارم که نمازها و بقیۀ اعمالمان را بپذیرد، و ثواب و پاداش آنها را برای روزی که ملاقاتش می‌نمائیم، ذخیره نماید. ﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩﴾. (الشعراء: ٨٨ - ٨٩)[2].

وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ

پایان ترجمه ٢٣ رمضان ١٤٢٠ هـ‍ ق

١- «و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی‌دارد».

٢- «در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد. مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!».

مختصر صفة صلاة النبي ﷺ

تأليف: محدث العصر العلامة
محمد ناصر الدين الألباني

ترجمة: حسين تاجى گله دارى

باللغة الفارسية

راجعه وصححه
إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي
رحمه الله

وكالة المطبوعات والبحث العلمي
وزارة الشؤون الإسلامية والدعوة والإرشاد
المملكة العربية السعودية

1439 هـ